



پژوهشنامه‌ی اقتصاد کلان

علمی - پژوهشی

سال یازدهم، شماره‌ی ۲۱، نیمه‌ی اول ۱۳۹۵

سنجش کارایی نظام مالیاتی و اثر آن بر رشد اقتصادی کشور

* هادی غفاری

** معصومه نوری

*** علی یونسی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۹/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۲/۲۱

چکیده:

هدف این مقاله بررسی نسبت مالیات واقعی به تولید ناخالص داخلی و اثر آن بر رشد اقتصادی کشور طی سه دهه اخیر (۱۳۹۱-۱۳۵۶) می باشد. روش تجزیه و تحلیل داده ها مبتنی بر یک الگوی رشد و روش اصل ماکزیمم می باشد که برای کشوری با ساختار اقتصاد متکی بر درآمدهای ارزی ناشی از فروش نفت، مانند ایران تطابق داده شده است و الگوی مورد استفاده الگوی "پل کاشین" می باشد. نتایج بررسی آماری نشان می دهد افزایش مالیات ها با ضریب منفی بین ۰.۱۴ تا ۰.۱۶ دارای اثر منفی بر رشد اقتصادی کشور می باشد. همچنین نتایج نشان می دهد که نسبت مالیات به ارزش افزوده بخشهای اقتصادی کشور که مشمول مالیات می گردند در مقایسه با سایر کشورهای منتخب بر خلاف آنچه تصور می گردد نه تنها ناچیز نمی باشد بلکه با ملاحظه واقعیات اقتصادی کشور این نسبت حتی در مقایسه با برخی از کشورهای مشابه بیشتر هم می باشد. کشورهای منتخب شامل کشورهای توسعه یافته صنعتی، کشورهای در حال توسعه و کشورهای نفتی است.

کلید واژه: مالیات، درآمدهای مالیاتی، GDP، رشد اقتصادی، پل کاشین.

طبقه‌بندی JEL: H21-O43-O41

* دانشیار اقتصاد دانشگاه پیام نور، اراک، ایران Email: ghafari@pnu.ac.ir

** کارشناسی ارشد علوم اقتصادی دانشگاه پیام نور، اراک، ایران

*** استادیار اقتصاد دانشگاه پیام نور، اراک، ایران

۱- مقدمه

مالیات ها که از گذشته های دور برای تأمین هزینه های قدرت های حاکم و گاه به عنوان ابزاری برای رفع مشکلات و تأمین بخشی از هزینه های اجتماعی مورد استفاده قرار گرفته است، امروزه با رشد و توسعه اقتصادی کشورها و پیشرفت صنایع و تکنولوژی و پیچیدگی روابط اقتصادی، از شکل سنتی خود خارج شده و بعنوان یک ابزار قوی و یک متغیر کلان اقتصادی به وسیله ای برای متعادل کردن سایر مولفه های کلان اقتصادی تبدیل شده است. بطور کلی مالیاتها اهرمی برای کنترل سود بنگاههای اقتصادی و پراکندگی جغرافیایی آنها در جهت تحقق اهداف سرمایه گذاری و اشتغال پیش بینی شده در برنامه های رشد و توسعه اقتصادی است. مالیاتها، به علت اثری که بر بازده سرمایه گذاری های فیزیکی و انسانی دارند می توانند بر تصمیم گیری های اقتصادی و در نهایت، بر نرخ رشد، تأثیر بگذارند. در خلال قرن ۲۰، در اغلب کشورهای توسعه یافته سطح مالیاتها به طور چشمگیری افزایش یافته است؛ چنین افزایش معنی داری در مالیاتها سبب طرح پرسش هایی در مورد اثر مالیات بر رشد اقتصادی شده است.

یکی از شاخص های کمی برای سنجش کارایی نظام مالیاتی، محاسبه ی نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی است. بنظر می رسد نسبت پایین درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی و عدم تحقق درآمدهای مالیاتی مورد انتظار، یکی از معضلات جدی اقتصاد ایران است که در ادامه مقاله ملاحظه خواهیم کرد که درآمد های مالیاتی ایران در مقایسه با درآمد مالیاتی سایر کشورهای در حال توسعه چندان نیز ناچیز نمی باشد. در این مقاله سعی شده است به دو پرسش اساسی پاسخ داده شود، اول اینکه اثر مالیاتها در اقتصاد کشور بویژه سطح تولید ناخالص داخلی چگونه است، آیا جنبه بازدارنده دارد یا اثر تشویق کننده؟

و دوم اینکه آیا نسبت درآمد مالیاتی دولت به ارزش افزوده بخشهای اقتصادی کشور که مشمول مالیات می گردند در مقایسه با سایر کشورهای منتخب واقعا ناچیز است یا خیر؟

این مقاله از شش بخش تشکیل شده است. پس از مقدمه و در بخش دوم، مطالعات انجام شده خارجی و داخلی را مرور خواهیم نمود. بخش سوم مقاله به مبانی نظری موضوع اختصاص دارد. تجزیه و تحلیل اطلاعات و داده ها، بخش چهارم مقاله را تشکیل می دهد. بخش پنجم به تبیین مدل پیشنهادی و برآورد مدل اختصاص داشته و پایان بخش مقاله حاضر، نتیجه گیری و ارائه پیشنهادات سیاستی و کاربردی می باشد.

۲- مروری بر مطالعات انجام شده

پلوسر^۱ (۱۹۹۳) وجود یک ارتباط موثر منفی بین نرخ رشد اقتصادی و نسبت درآمد مالیاتی به تولید ناخالص داخلی را در کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) در چارچوب مطالعه ای با عنوان "درآمد مالیاتی سرمایه و رشد بلند مدت اقتصادی" نشان داد (پلوسر، ۱۹۹۳: ۲۶۳-۲۳۹).

ایسترلی و ربلو^۲ (۱۹۹۳) در یک مطالعه تحت عنوان "سیاست مالی و رشد اقتصادی" نشان دادند که بین نرخ نهایی مالیات بر درآمد و نرخ رشد اقتصادی ارتباط منفی وجود دارد (ایسترلی و ربلو، ۱۹۹۳: ۴۵۸-۴۱۷).

پل کاشین^۳ (۱۹۹۴) با استفاده از داده های ۲۳ کشور توسعه یافته در دوره زمانی ۱۹۷۱-۱۹۸۸ نشان داد که مخارج مولد دولت و پرداختهای انتقالی رشد اقتصادی را افزایش می دهد اما مالیاتهای انحرافی اثری زیان بخش روی رشد اقتصادی دارد (کاشین، ۱۹۹۴: ۲۶۹-۲۳۷).

^۱Plosser (1993)

^۲Easterly-Rebello (1993)

^۳Cashin (1994)

ریواس^۱ (۲۰۰۳) در مقاله خود با نام "درآمدهای مالیاتی، ترکیب مخارج و رشد بلند مدت" به بررسی رابطه بین مالیات بر درآمد، ترکیب مخارج دولت و رشد اقتصادی در نیکاراگوئه می پردازد. ریواس اشاره می کند که اگر مالیات بر درآمد از طریق برقراری مالیات بر سرمایه باشد بهتر است، همچنین اگر درآمدهای مالیاتی برای تامین مالی پرداخت های انتقالی اختصاص یابد، افزایش مالیات بر درآمد اثر مبهم بر رشد اقتصادی دارد (ریواس، ۲۰۰۳: ۴۷۷-۲۷).

نارایان و نارایان^۲ (۲۰۰۶) در مطالعه "معمای درآمد و مخارج دولت: شواهدی از کشورهای در حال توسعه" نشان داده اند با اعمال سیاست های پولی و مالی مناسب و کارا در رابطه با مالیات (درآمد دولت)، کسری بودجه در کشور پاکستان کاهش خواهد یافت (نارایان، ۲۰۰۶: ۲۹۱-۲۸۵).

در مطالعه دکاسترو و هرناندز^۳ (۲۰۰۸) با نام "آثار اقتصادی شوک های مالی درونزا در اسپانیا" نتایج نشان می دهد که مخارج دولت در کوتاه مدت اثرات مثبتی روی تولید دارد؛ اما در میان مدت و بلند مدت این اثرات کاهش می یابد و افزایش مالیاتها موجب بهبود گذرا در توازن بودجه عمومی شده و در کوتاه مدت عکس العمل منفی قیمتتها را در پی دارد (دکاسترو و هرناندز، ۲۰۰۸: ۱۲).

یون^۴ (۲۰۱۲) در مقاله خود تحت عنوان "کسری بودجه انفجاری در امریکا" پیشنهاد می کند که دولت ها باید از طریق افزایش درآمد مالیاتی و کاهش هزینه های غیر ضرور، مهم ترین هدف سیاست گذاری های خود را مقابله با کسری بودجه قرار دهند (یون، ۲۰۱۲: ۲۹).

در ایران نیز مطالعات متعددی در ادبیات موضوع به انجام رسیده است. ستاری فر (۱۳۸۳) در مطالعه "اثر هزینه های دولتی و مالیاتها بر رشد اقتصادی کشورهای عضو

¹Rivas (2003)

²Narayan & Narayan (2006)

³De Castro & Hernández (2008)

⁴Yoon (2012)

سنجش کارایی نظام مالیاتی و اثر آن ۱۵۹

اوپک" به این نتیجه رسید که بیشترین و کمترین سهم مالیاتها از درآمد ناخالص داخلی در کشورهای عضو اوپک به ترتیب مربوط به الجزایر و عربستان سعودی است ولی در این میان بیشترین و کمترین رشد اقتصادی مربوط به کشورهای اندونزی و ایران است و کارایی مالیاتها در مقایسه با سایر متغیرهای مدل مانند سرمایه فیزیکی، نیروی انسانی و قیمت نفت بر رشد اقتصادی کم اثرتر است (ستاری فر، ۱۳۸۳: ۲۴).

شیرازی (۱۳۸۵) در مقاله ای با نام "بررسی تاثیر مخارج دولتی و منابع تامین مالی آن بر تولید ناخالص داخلی و رشد اقتصادی" دریافت که بین سهم مالیات، استقراض و درآمدهای نفتی در تامین مخارج دولت و تولید ناخالص داخلی یک رابطه تعادلی بلند مدت وجود دارد. این مطالعه همچنین نشان می دهد که تاثیر رشد سهم درآمدهای نفتی و مالیات در مخارج دولتی بر رشد اقتصادی در کوتاه مدت مثبت و معنادار می باشد (شیرازی، ۱۳۸۵: ۳۲).

شفیعی و همکاران (۱۳۸۵) در مقاله ای با نام "آزمون تأثیرگذاری سیاست مالی بر رشد اقتصادی" به بررسی تاثیر سیاستهای مالی دولت بر رشد اقتصادی ایران برای دوره زمانی ۱۳۸۲-۱۳۳۸ می پردازند. نتایج تحقیق حاکی از آن است که در میان ابزارهای سیاست مالی دولت، مخارج عمرانی و مالیاتها به ترتیب دارای اثر مستقیم و معکوس معناداری بر رشد اقتصادی هستند ولی مخارج جاری دارای اثر معناداری بر رشد اقتصادی نمی باشد (شفیعی و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۱۲-۸۱).

مجتهد و احمدیان (۱۳۸۷) در مقاله "اثر درآمدهای مالیاتی دولت بر رفاه اجتماعی ایران" با استفاده از مدل ماندل - فلمینگ، آزمون مدل کلان سنجی استفاده شده برای سه نظام مالیاتی (مالیات بر حقوق و دستمزد، مالیات بر واردات و مالیات بر مصرف) و با توجه به شوک بدهی دولت به سیستم بانکی نشان می دهند که نظام مالیات بر مصرف ثبات بیشتری در متغیرهای هدف شاخص قیمت ها، شاخص دستمزدها، رفاه خانوار و واردات، ایجاد می نماید (مجتهد و احمدیان، ۱۳۸۷: ۷۱-۴۵).

فلاحتی و مرادپور اولادی(۱۳۹۰) در مطالعه ی خود تحت عنوان "بررسی اثر شوکهای مالیاتی در اقتصاد ایران" به این نتیجه رسیدند که در اقتصاد ایران، در صورتی که به بخش درآمدهای مالیاتی ایران شوکی وارد شود، اثری منفی بر اقتصاد به جای خواهد گذاشت (فلاحتی و مرادپور اولادی، ۱۳۹۰: ۲۰).

۳- مبانی نظری

۳-۱- کانالهای اثر گذاری مالیات بر رشد اقتصادی

مالیاتها در زمره ابزارهای موثر مالی برای کاهش مصرف خصوصی و سرمایه گذاری و نیز انتقال منابع به بخش دولتی برای رشد و توسعه اقتصادی است. بدین منظور برای تشویق رشد اقتصادی می توان از مالیاتها برای دستیابی به اهداف زیر استفاده کرد: تحدید مصرف خصوصی و انتقال منابع از مصرف به سرمایه گذاری؛ افزایش انگیزه های پس انداز و سرمایه گذاری؛ انتقال منابع از عموم مردم به دولت برای سرمایه گذاری در احداث بنگاه های مولد اقتصادی و نیز طرحهای بالاسر اقتصادی و اجتماعی؛ اصلاح روند سرمایه گذاری؛ کاهش نابرابری های اقتصادی در میان مردم و ایجاد مزاد اقتصادی.

تاثیر مالیاتها بر رشد اقتصادی را نمی توان از قبل مشخص نمود زیرا بستگی دارد که سایر عوامل مانند سرمایه انسانی که در کنار سرمایه فیزیکی بکارگرفته می شوند، چگونه مشمول مالیات شوند. شواهد تجربی نیز در مورد اثر سیاست مالیاتی بر رشد، گرچه اغلب حاکی از وجود رابطه منفی بین مالیات بر درآمد و رشد می باشد، متفاوت بوده است.

۴- تجزیه و تحلیل داده ها

۴-۱- نسبت درآمد مالیاتی به تولید ناخالص داخلی در کشورهای منتخب

۴-۱-۱- نسبت درآمد مالیاتی به تولید ناخالص داخلی در کشورهای توسعه

یافته صنعتی

سنجش کارایی نظام مالیاتی و اثر آن... ۱۶۱

نقش درآمدهای مالیاتی در بسیاری از کشورهای توسعه یافته صنعتی در مقایسه با سایر منابع درآمدی از اهمیت بیشتری برخوردار است. در اغلب کشورهای پیشرفته و توسعه یافته صنعتی، مالیاتها تقریباً تمامی هزینه های دولت را تامین می کند. در اینگونه کشورها اخذ مالیات بدلیل کارآمدی سیستم مالیاتی، شیوه های مناسب اخذ آن، وجود فرهنگ مالیاتی و نبود ضعف های سیاستی، مدیریتی و اجرائی در تامین مالی مخارج دولت از اهمیت وافری برخوردار هستند. جدول (۱) نسبت درآمد مالیاتی به تولید ناخالص داخلی رادر سه کشور آمریکا، کانادا و آلمان نشان می دهد.

جدول ۱. نسبت درآمد مالیاتی به تولید ناخالص داخلی در کشور های منتخب توسعه یافته در

سال ۲۰۱۲

	آمریکا	آلمان	کانادا
مالیات بردرآمد اشخاص	۷	۹	۴.۷
مالیات بیمه اجتماعی	۵.۵	۱۴.۲	۵.۲
مالیات بر درآمد شرکتها	۱۱	۱۱.۴	۱۴.۵
مالیات غیر مستقیم	۱.۷۵	۰.۹	۳.۳
سایر	۳.۰۵	۲.۱	۳
کل مالیات ها به GDP	۲۸.۳	۳۷.۶	۳۰.۷

مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

همانطور که جدول (۱) نشان می دهد سهم درآمد مالیاتی به تولید ناخالص داخلی در کشورهای توسعه یافته صنعتی بین ۲۸ تا ۳۸ درصد می باشد که سهم مالیات های مستقیم همچون مالیات بیمه اجتماعی و مالیات بر درآمد شرکت ها بیشترین سهم را دارا است و نکته قابل اهمیت آن است که مالیات بیمه اجتماعی یا دریافتی از حقوق و دستمزد افراد جهت بیمه های درمانی و یا بازنشستگی بین ۵ تا ۱۵ درصد از کل درآمد های مالیاتی را تشکیل می دهد در صورتیکه در آمارهای مالیاتی ایران این نوع پرداختی افراد و خانوارها بعنوان پرداخت های مالیاتی محسوب نمی گردد.

بنابراین یکی از دلایل بالا بودن این نسبت در کشورهای توسعه یافته صنعتی اهتمام بیشتر دولت جهت پوشش بیمه های اجتماعی و پرداخت های انتقالی است که اینک مالیات های غیر مستقیم که در چهارچوب عدالت مالیاتی بدلیل برخورداری از نرخ مالیاتی تنازلی در جهت عدالت مالیاتی نمی باشد دارای کمترین سهم و مالیات های مستقیم که ماهیت آن نرخ مالیاتی تصاعدی است و همسو با عدالت مالیاتی است، بیشترین سهم را دارا است.

۴-۱-۲- نسبت درآمد مالیاتی به تولید ناخالص داخلی در کشورهای در حال توسعه در کشورهای در حال توسعه بدلیل وجود ساختار تورمی و کارا نبودن سیستم مالیاتی، درآمدهای مالیاتی درصد ناچیزی از تولید ناخالص داخلی را تشکیل می دهد. در جدول (۲) نسبت درآمد مالیاتی به تولید ناخالص داخلی رادر سه کشور کره، چین و مکزیک بررسی می کنیم.

جدول ۲. نسبت درآمد مالیاتی به تولید ناخالص داخلی در کشور های منتخب در حال توسعه در

سال ۲۰۱۲

	کره جنوبی	چین	مکزیک
مالیات بر درآمد شرکتهای	۸	۵.۳۳	۵.۲
مالیات بر درآمد اشخاص	۳	۹.۸۸	۰.۳
مالیات بیمه اجتماعی	۶.۱	--	۳.۲
مالیات غیر مستقیم	۹.۷	۷.۸	۱۰.۴۳
سایر	--	--	۰.۴۷
کل مالیات ها به GDP	۲۶.۸	۲۳.۰۱	۱۹.۶

مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

همانطور که جدول (۲) نشان می دهد سهم مالیاتهای غیر مستقیم در کشور های منتخب در حال توسعه نسبت به کشور های توسعه یافته صنعتی بسیار بزرگ تر می باشد و حتی در برخی از کشور ها از جمله چین، همانند ایران مالیات بیمه اجتماعی بعنوان پرداخت های مالیاتی افراد و خانوارها در آمارها دیده نشده است. بطور کلی سهم

سنجش کارایی نظام مالیاتی و اثر آن ۱۶۳

مالیات بیمه اجتماعی اگر هم محاسبه شده است سهم آن بسیار ناچیز می باشد. در هر صورت می توان نتیجه گرفت سهم درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی در کشورهای در حال توسعه بین ۱۹ تا ۲۶ درصد می باشد که در مقایسه با کشورهای توسعه یافته صنعتی نسبتاً کمتر و پایین تر است.

۴-۱-۳- نسبت درآمد مالیاتی به تولید ناخالص داخلی در کشورهای نفتی

در کشورهای نفتی بدلیل وابسته بودن اقتصاد به درآمدهای نفتی و وجود انحصارات و رانت های ناشی از آن در بخش های مختلف اقتصاد، درآمدهای مالیاتی همواره سهم بسیار پائینی از درآمدهای دولت را تشکیل می دهد. در این کشورها درآمدهای دولت به درآمدهای حاصل از فروش نفت و گاز وابسته است و سهم مالیاتها بسیار ناچیز است بطوریکه مالیاتها حتی قادر به تأمین بخشی از هزینه های جاری دولت نمی باشد .

در جدول (۳) نسبت درآمد مالیاتی به تولید ناخالص داخلی رادر سه کشور ونزوئلا ،

عربستان سعودی و بحرین بررسی می کنیم.

جدول ۳. نسبت درآمد مالیاتی به تولید ناخالص داخلی در کشورهای منتخب نفتی در سال ۲۰۱۲

	ونزوئلا	عربستان سعودی	بحرین
مالیات بردرآمد اشخاص	۳.۸۴	۶.۹	۲.۵۸
مالیات بر درآمد شرکتها	۲.۳۴	۲	۲.۲۱
مالیات بیمه اجتماعی	--	--	--
مالیات غیر مستقیم	۷.۶	۰.۹۴	۰.۵
سایر	--	--	--
مالیات ها به کل GDP	۱۳.۷۸	۹.۸۴	۵.۲۹

مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

در کشورهای منتخب نفتی می توان مشاهده کرد نسبت مالیات ها به GDP از حداقل ۵.۲ درصد در بحرین تا حدود ۱۳ درصد در ونزوئلا می باشد و تقریباً در این

دسته از کشورها ظاهراً مالیات دریافتی از افراد و خانوارها بابت بیمه های اجتماعی در محاسبه منظور نشده اند.

۴-۱-۴- نسبت درآمد مالیات واقعی به تولید ناخالص داخلی کشور ایران

جدول (۴) نسبت درآمد مالیاتی به تولید ناخالص داخلی کشور را در سال ۱۳۹۱ نشان می دهد.

جدول ۴: نسبت درآمد مالیاتی به تولید ناخالص داخلی ایران

سال	درآمد مالیاتی	GDP	t=Tax income/gdp
۱۳۹۱	۴۰۶۰۰۰	۵۴۷۴۴۱ ۳	۰.۷۴۱۶

ارقام به میلیارد ریال برای GDP سال ۱۳۹۱

مأخذ: ارقام مربوط به بودجه مصوب، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران-۱۳۹۱

به دلیل معافیت درآمدهای نفتی از مالیات، جدول (۵) نسبت درآمد مالیاتی به تولید ناخالص داخلی را بدون در نظر گرفتن درآمدهای نفتی نشان می دهد.

جدول ۵: نسبت درآمد مالیاتی به تولید ناخالص داخلی ایران بدون درآمدهای نفتی

سال	درآمد مالیاتی	gdp	ارزش افزوده گروه نفت	t=T/gdp-oil
۱۳۹۱	۴۰۶۰۰۰	۵۴۷۴۴۱۳	۱۱۸۴۷۱۲.۷	۰.۹۴۶

ارقام به میلیارد ریال برای GDP سال ۱۳۹۱

مأخذ: ارقام مربوط به بودجه مصوب، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران-۱۳۹۱

با مقایسه جداول (۴) و (۵) مشاهده می کنیم که به دلیل کسر درآمدهای نفتی از تولید ناخالص داخلی، نرخ کلان مالیاتی در طول این سه دوره افزایش یافته است چراکه بخش مهمی از پایه های مالیاتی وابسته به درآمدهای نفتی می باشد، که این امر می تواند درآمدهای مالیاتی را در مقابل نوسانهای بازار جهانی نفت به شدت آسیب پذیر سازد. در ساختار اقتصاد ایران رابطه مستقیم درآمدهای مالیاتی با درآمد حاصل از فروش نفت، به عنوان مهمترین منبع درآمدی دولت که مستقیماً با عوامل برونزا ارتباط دارد کاملاً مشهود است. این ارتباط تنگاتنگ به حدی است که ایجاد تغییر در درآمد

سنجش کارایی نظام مالیاتی و اثر آن ۱۶۵

وصول شده از فروش نفت، می تواند مستقیماً بر درآمد حاصل از اخذ مالیات اثر بگذارد. جدول (۶) نسبت درآمد مالیاتی به تولید ناخالص داخلی را بدون در نظر گرفتن درآمدهای نفتی و درآمدهای کشاورزی نشان می دهد زیرا که درآمد حاصل از کلیه فعالیت های کشاورزی و دامپروری از پرداخت مالیات معاف شدند و عملاً از پایه مالیاتی کشور خارج می باشد. به همین دلیل در جدول (۶) علاوه بر درآمدهای نفتی، درآمدهای کشاورزی نیز از تولید ناخالص داخلی کسر شده است.

جدول ۶. نسبت درآمد مالیاتی به تولید ناخالص داخلی ایران بدون درآمدهای نفتی و کشاورزی

سال	gdp	درآمد مالیاتی	ارزش افزوده گروه نفت	ارزش افزوده گروه کشاورزی	$t=T/(\text{gdp-oil-agriculture})$
۱۳۹۱	۵۴۷۴۴۱۳	۴۰۶۰۰۰	۱۱۸۴۷۱۲	۶۵۸۴۷۴.۵	۰.۱۱۱۸۰

ارقام به میلیارد ریال برای GDP سال ۱۳۹۱

مأخذ: ارقام مربوط به بودجه مصوب، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران-۱۳۹۱

با مشاهده جدول (۶) ملاحظه می گردد که به دلیل کسر درآمدهای نفتی و درآمدهای کشاورزی از تولید ناخالص داخلی، نرخ کلان مالیاتی نسبت به جداول (۴) و (۵) افزایش یافته است.

مورد دیگری که می بایست به آن توجه کرد این است که حق بیمه های دریافتی از کارکنان دولت و همچنین عوارض شهرداریها که درآمد نسبتاً زیادی می باشند و عموماً در چارچوب نظریه مالیات بر اساس بهای کالاها و خدمات اخذ می گردد، در مجموع درآمدهای مالیاتی ایران لحاظ نمی شود. با در نظر گرفتن این دو مورد در جدول (۷) مشاهده می کنیم که نرخ کلان مالیاتی در مقایسه با جداول (۴)، (۵) و (۶) نسبت بیشتری را به خود اختصاص داده است.

جدول ۷. نسبت درآمد مالیاتی به تولید ناخالص داخلی ایران بدون درآمدهای نفتی و کشاورزی و با

احتساب بیمه های دریافتی از کارکنان دولت و عوارض شهرداری ها

سال	درآمد	gdp	حق بیمه	درآمد شهرداری حاصل	$t = \frac{T + \text{شهری بیمه حق} + \text{شهرداری}}{\text{gdp-oil-agriculture}}$
-----	-------	-----	---------	--------------------	---

	مالیاتی		دریافتی	از گرفتن عوارض	
۱۳۹۱	۴۰۶۰۰۰	۵۴۷۴۴۱۳	۱۹۱۳۲۸	۹۵۴۴۹	۰.۱۹۰۷

ارقام به میلیارد ریال برای GDP سال ۱۳۹۱

مأخذ: ارقام مربوط به بودجه مصوب، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، مرکز آمار ایران و گزارش مالی شهرداری ها

با جمع بندی نهائی از جداول (۴)، (۵)، (۶)، (۷) می توانیم جدول شماره (۸) را نتیجه بگیریم. این جدول برای یک سال نمونه یعنی ۱۳۹۱ با ملاحظات گوناگون در خصوص چگونگی تعریف پایه مالیاتی و همچنین مجموع دریافتی توسط بخش عمومی از ارزش افزوده و درآمد ایجاد شده در اقتصاد را نشان می دهد.

جدول ۸. نسبت درآمد مالیاتی به تولید ناخالص داخلی ایران در حالت های مختلف در سال ۱۳۹۱

$t=\text{tax}/\text{gdp}$	$t=\text{tax}/(\text{gdp-oil})$	$t=\text{tax}/(\text{gdp-oil-agricultural})$
۷.۴۱	۹.۴۶	۱۱.۱۸
$T=(\text{tax+ insurance fee})/\text{gdp}$	$T=(\text{tax+ insurance fee})/(\text{gdp-oil})$	$T=(\text{tax+ insurance fee})/(\text{gdp-oil-agricultural})$
۱۰.۹۱	۱۳.۹۲	۱۶.۴۴
$T=(\text{tax+insurancefee+ municipalityduty})/\text{gdp}$	$T=(\text{tax+ insurance fee+ municipality duty})/(\text{gdp-oil})$	$T=(\text{tax+ insurance fee+ municipality duty})/(\text{gdp-oil- agricultural})$
۱۲.۶۵	۱۶.۱۴	۱۹.۰۷۸

مأخذ: محاسبات تحقیق

با در نظر گرفتن این جدول بصورت یک ماتریس 3×3 می توان اینگونه تحلیل کرد که :

$a_{1 \times 1}$: نسبت درآمد مالیاتی به تولید ناخالص داخلی؛ $a_{2 \times 2}$: نسبت درآمد مالیاتی بعلاوه حق بیمه های دریافتی و عوارض شهرداری ها به تولید ناخالص داخلی غیر نفتی و غیر کشاورزی.

سنجش کارایی نظام مالیاتی و اثر آن ۱۶۷

موردی که می بایست به آن توجه کرد این است که حق بیمه های دریافتی از کارکنان دولت و همچنین عوارض شهرداریها که درآمد نسبتا زیادی را عاید بخش عمومی می کند در مجموع درآمدهای مالیاتی ایران لحاظ نمی شود. در نتیجه ملاحظه می کنیم که با در نظر گرفتن حق بیمه های دریافتی و عوارض شهرداریها در مجموع درآمدهای مالیاتی و کسر درآمدهای نفتی و درآمدهای کشاورزی از تولید ناخالص داخلی بدلیل معافیتها، نسبت درآمد واقعی به تولید ناخالص داخلی از ۷۴۱ به ۱۹۰۰۷ برای سال ۱۳۹۱ خواهد رسید.

با مشاهده این جدول و همچنین در نظر گرفتن حق بیمه های دریافتی و عوارض شهرداریها و برخی از معافیت های مالیاتی از جمله معافیت درآمدهای نفتی و کشاورزی از پرداخت مالیات ملاحظه می کنیم که درآمد های مالیاتی ایران در مقایسه با درآمد مالیاتی سایر کشورهای در حال توسعه چندان نیز ناچیز نیست بلکه چیزی در حدود همان کشورهای در حال توسعه است.

۵- تبیین مدل پیشنهادی و برآورد مدل

در این قسمت نخست به تبیین مدل پیشنهادی و برآورد مدل در کشور ایران در طول سالهای ۱۳۵۶ الی ۱۳۹۱ می پردازیم. روش تجزیه و تحلیل داده ها مبتنی بر یک الگوی رشد و روش اصل ماکزیمم می باشد که برای کشوری با ساختار اقتصاد متکی بر درآمدهای ارزی ناشی از فروش نفت، مانند ایران تطابق داده شده است و الگوی مورد استفاده الگوی " پل کاشین " با فروضی بشرح زیر می باشد.

افراد دارای عمر نامحدود هستند و از قدرت پیش بینی کامل برخوردارند .
مخارج دولت و پرداخت های انتقالی دولت بعنوان یک نهاده در تابع تولید محسوب می شود. از این حیث که پرداخت های انتقالی می توانند انگیزه بیشتری برای عواملی از نیروی کار که نسبتا بی حاصل هستند ایجاد کنند در نتیجه پرداختهای انتقالی تولید نهائی را بوسیله بخش خصوصی افزایش می دهند .

سرمایه فیزیکی بخش خصوصی و سرمایه بخش عمومی (مخارج عمرانی) بصورت درونزا تعیین می شود.

دولت جهت تامین مخارج خود (اعم از مخارج سرمایه ای یا عمرانی و مخارج مصرفی یا جاری و همچنین پرداخت های انتقالی) یک نرخ مالیات ثابت t از تولید ملی شامل (بخش نفتی و غیر نفتی) در نظر می گیرد که به میزان نرخ ثابت t_1 از درآمد ملی برای مخارج دولت اعم از عمرانی و جاری و میزان ثابت t_2 از درآمد ملی برای تامین سوبسیدهای پرداختی در نظر گرفته شده است بطوریکه:

$$(t_1, t_2 < t), t = t_1 + t_2$$

شرایط رقابتی بر بازارها حاکم است و هر یک از خانوارها و تولید کنندگان نسبت به کل اقتصاد کوچک هستند و انتظار ندارند که رفتار آنها بر عملکرد دولت و همچنین تولید کل اثر گذار باشد. در این چهارچوب هر فرد سعی در ماکزیمم کردن سود خود دارد.

تابع مطلوبیت کل جامعه بصورت زیر در نظر گرفته می شود.

$$U = \int_0^{\infty} u(c(t)) e^{-\rho t} dt \quad (1)$$

که در آن ρ نرخ ترجیحات زمانی افراد جامعه و C مصرف هر فرد است. $U(t)$ مطلوبیت لحظه ای هر یک از افراد بصورت زیر است:

$$u(c(t)) = \frac{c(t)^{1-\sigma} - 1}{1-\sigma} \quad (2)$$

که $\frac{1}{\sigma}$ کشش جانشینی بین دوره ای است و ثابت فرض می شود.

تابع تولید سرانه جهت تولید محصول نهایی برای بنگاهها به شکل زیر است.

$$y(t) = Ak(t) \left(\frac{G(t)}{K(t)} \right)^\alpha \left(\frac{TR(t)}{K(t)} \right)^\beta \quad (3)$$

که A سطح پیشرفت فنی، $K(t)$ سرمایه فیزیکی بخش خصوصی هر بنگاه $K(t) = Nk(t)$. N تعداد ثابت خانوارها و $k(t)$ سرمایه کل فیزیکی بخش

خصوصی بنگاهها می باشد. $G(t)$ مخارج دولت و $TR(t)$ سوبسیدهای پرداختی بخش عمومی و

α, β نیز کشش تولیدی می باشند.

۵-۱- محدودیت های مدل

$$K(t) = (1-t_1-t_2) ANk(t) \left(\frac{G(t)}{K(t)}\right)^\alpha \left(\frac{TR(t)}{K(t)}\right)^\beta - C(t) \quad (4)$$

$$G(t) = t_1 ANk(t) \left(\frac{G(t)}{K(t)}\right)^\alpha \left(\frac{TR(t)}{K(t)}\right)^\beta \quad (5)$$

$$TR(t) = t_2 ANk(t) \left(\frac{G(t)}{K(t)}\right)^\alpha \left(\frac{TR(t)}{K(t)}\right)^\beta \quad (6)$$

برای بدست آوردن مسیر رشد متوازن بلند مدت در وضعیت یکنواخت تابع مطلوبیت ۱ را با محدودیت معادله ۴ به حداکثر می رسانیم، در این صورت تابع همیلتون به شکل معادله ۷ خواهد بود:

$$H(k(t)) = \quad (7)$$

$$e^{-\rho t} \left(\frac{c(t)^{1-\sigma} - 1}{1-\sigma} \right) + v(t) \left[(1-t_1-t_2) ANk(t) \left(\frac{G(t)}{K(t)}\right)^\alpha \left(\frac{TR(t)}{K(t)}\right)^\beta - C(t) \right]$$

$C(t)$ متغیر کنترل، $K(t)$ متغیر وضعیت و $v(t)$ قیمت سایه ای یا ضریب لاکرانژ پویاست که در تعیین افزایش ارزش سرمایه بنگاهها استفاده می شود.

با استفاده از شروط بهینه یابی پویا و تابع همیلتونی، می توان معادله نهائی را برای برآورد به شکل زیر نوشت:

$$\frac{GDP}{GDP_{-1}} = \beta_1 \ln(g(t)) + \beta_2 \ln(tr(t)) + \beta_3 \ln(g^r(t)) + \varepsilon_1(t) \quad (I)$$

درآمدهای جاری دولت در کشور ما شامل درآمدهای ارزی ناشی از فروش نفت "OIL(t)" و درآمدهای مالیاتی "TAX(t)" است و همچنین مخارج عمومی دولت نیز شامل هزینه های عمرانی " $G^I(t)$ " و هزینه های جاری " $G^C(t)$ " می باشد. از طرفی سوبسیدهای پرداختی دولت با توجه به شرایط اقتصادی کشور ما به سوبسیدهای پرداختی برای کالاهای مصرفی " $TR^C(t)$ " و سوبسیدهای پرداختی برای

کالاهای تولیدی " $TR^P(t)$ " تقسیم می شود که در این صورت باتوجه به معادله (I)، مدل قابل برآورد نهائی را می توان به شکل زیر نوشت:

(II)

$$\frac{GDP}{GDP_{-1}} = \beta_1 \ln(g^I(t)) + \beta_2 \ln(g^C(t)) + \beta_3 \ln(tr^C(t)) + \beta_4 \ln(tr^P(t)) + \beta_5 \ln(oil(t)) + \beta_6 \ln(tax(t)) + \varepsilon_2(t)$$

که در آن :

$$g^I(t) = \frac{G^I(t)}{GDP} \quad g^C(t) = \frac{G^C(t)}{GDP} \quad \text{و} \quad tr^C(t) = \frac{TR^C(t)}{GDP} \quad tr^P(t) = \frac{TR^P(t)}{GDP}$$

$$oil(t) = \frac{OIL(t)}{GDP} \quad tax(t) = \frac{TAX(t)}{GDP}$$

۲-۵- تصریح مدل

با توجه به الگوی ارائه شده در بخش قبل که الزاما به تاثیر اجزاء درآمدها و مخارج دولتی بر رشد اقتصادی تاکید دارد یکی دیگر از عوامل مهم تاثیر گذار بر رشد اقتصادی را نیز می توان در این الگو در نظر گرفت، از جمله می توان به سرمایه گذاری بخش خصوصی " I^P " به عنوان یکی از مهم ترین عوامل ایجاد کننده رشد اقتصادی اشاره کرد. همچنین می توان GDP را با یک دوره تاخیر یعنی GDP_{-1} درمخرج کسره های معادلات مورد برآورد در نظر گرفت که دلیل آن ناپیوستگی داده های آماری می باشد زیرا طبق تابع تولید رشد نئوکلاسیکی داریم :

$$Y(t) = F(K(t), L(t))$$

با دیفرانسیل گیری از تابع تولید نسبت به زمان داریم :

$$\partial Y(t) = \partial K(t) + \partial L(t)$$

برای اینکه عبارت سمت چپ معادله فوق با توجه به وجود آمارهای سالانه گویای نرخ رشد تولید باشد باید آن را بر Y_{-1} تقسیم کنیم .

مطالعات قابل برآورد نهائی نیز شامل دو دسته از معادلات می باشند که اولی نشان دهنده اثرات کلی ساختار بودجه ای دولت اعم از کل درآمدهای دولت (شامل مجموع درآمدهای نفتی و درآمدهای مالیاتی) ، کل مخارج دولت (شامل مجموع مخارج جاری و

عمرانی) و کل سوبسیدهای دولت (شامل مجموع سوبسیدهای کالاهای مصرفی و تولیدی) می باشد.

از طرفی دسته دوم از معادلات قابل برآورد بیانگر اثرات ساختار بودجه ای دولت به تفکیک اجزا می باشد بطوریکه اثر و میزان تاثیرگذاری هر یک از اجزادرآمدهای دولت (اعم از درآمدهای نفتی و درآمدهای مالیاتی)، اجزاء مخارج دولت (اعم از مخارج جاری و عمرانی) و اجزاء سوبسیدهای پرداختی دولت (اعم از سوبسیدهای کالاهای مصرفی و تولیدی) مورد بررسی و تحلیل قرار خواهد گرفت. در نتیجه معادله قابل برآورد نهائی براساس مبانی نظری و با در نظر گرفتن عوامل مؤثر بر تولید ناخالص داخلی (با تأکید بر نظام مالیاتی موجود در کشور) و با عنایت به مطالعات داخلی و خارجی انجام شده و متغیرهای استفاده شده در این مطالعات، به صورت زیر خواهد بود:

$$\frac{GDP}{GDP_{-1}} = \beta_1 \ln\left(\frac{I^P}{GDP_{-1}}\right) + \beta_2 \ln\left(\frac{G}{GDP_{-1}}\right) + \beta_3 \ln\left(\frac{TR}{GDP_{-1}}\right) + \beta_4 \ln\left(\frac{Income}{GDP_{-1}}\right) + \beta_5 DUM_1 + \beta_6 DUM_2 + \varepsilon_1(t)$$

$$\frac{GDP}{GDP_{-1}} = \beta_1 \ln\left(\frac{I^P}{GDP_{-1}}\right) + \beta_2 \ln\left(\frac{G^I}{GDP_{-1}}\right) + \beta_3 \ln\left(\frac{G^C}{GDP_{-1}}\right) + \beta_4 \ln\left(\frac{TR^C}{GDP_{-1}}\right) + \beta_5 \ln\left(\frac{TR^P}{GDP_{-1}}\right) + \beta_6 \ln\left(\frac{TAX}{GDP_{-1}}\right) + \beta_7 \ln\left(\frac{OIL}{GDP_{-1}}\right) + \beta_8 DUM_1 + \beta_9 DUM_2 + \varepsilon_2(t)$$

که در آن $\frac{GDP}{GDP_{-1}}$ نرخ رشد تولید ناخالص داخلی، I^P سرمایه گذاری بخش خصوصی، G کل مخارج عمومی دولت، G^I سرمایه گذاری بخش دولتی (مخارج عمرانی)، G^C مخارج مصرفی، $Income$ درآمدهای جاری دولت، TAX درآمدهای مالیاتی دولت، OIL درآمدهای نفتی، TR کل سوبسیدهای دولت، TR^C سوبسید برای کالاهای مصرفی دولت، TR^P سوبسید برای کالاهای تولیدی دولت، DUM_1 و DUM_2 متغیرهای مجازی و ε جمله اختلال می باشد.

اگر هر گونه تغییر ساختاری در دوره مورد مطالعه وجود داشته باشد، می توان تأثیر آنرا به وسیله متغیر مجازی در مدل وارد کرد. به منظور بررسی روند تأثیر جنگ بر رشد اقتصادی متغیر مجازی برای سال های جنگ در نظر گرفته شده که مقدار این متغیر در طول سال های ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۷، یک و مابقی سال ها صفر بوده است. متغیر مجازی دوم تأثیر سیاستهای تعدیل اقتصادی را بر رشد اقتصادی نشان می دهد.

۳-۵- برآورد مدل

۱-۳-۵- اثر مالیاتها بر تولید ناخالص داخلی

از برآورد معادله زیر با روش OLS با در نظر گرفتن α_{1x1} به نتایج زیر می رسیم.

$$\begin{aligned} \ln(GDP) &= \frac{GDP}{GDP_{-1}} \\ &= 13.16 + 0.4 \ln\left(\frac{I^F}{GDP_{-1}}\right) + 0.15 \ln\left(\frac{G^I}{GDP_{-1}}\right) \\ &\quad - 0.25 \ln\left(\frac{G^E}{GDP_{-1}}\right) \\ &\quad - 0.23 \ln\left(\frac{TP^G}{GDP_{-1}}\right) \\ &\quad + 0.46 \ln\left(\frac{TP^F}{GDP_{-1}}\right) - 0.14 \ln\left(\frac{TAX}{GDP_{-1}}\right) + 0.109 \ln\left(\frac{OIL}{GDP_{-1}}\right) \\ &\quad - 0.3DVM_1 + 0.19DVM_2 \end{aligned}$$

با در نظر گرفتن اثر سهم مالیاتها بر تولید ناخالص داخلی ضریب متغیر توضیح دهنده سهم درآمدهای مالیاتی دولت از GDP دارای اثر منفی و برابر با ۰.۱۴- بر روی نرخ رشد تولید داخلی است. اثر متغیر مجازی جنگ بر رشد اقتصادی منفی و برابر با ۰/۳- بوده و اثر متغیر مجازی سیاست های تعدیل اقتصادی مثبت و برابر ۰/۱۹ می باشد که هر دو با مبانی تئوری همخوانی و سازگاری دارد.

۲-۳-۵- اثر سهم مالیاتها بر تولید ناخالص غیر نفتی بر روی نرخ رشد تولید ناخالص

داخلی

از برآورد معادله زیر با روش OLS با در نظر گرفتن α_{1x2} به نتایج زیر می رسیم :

سنجش کارایی نظام مالیاتی و اثر آن ۱۷۳

$$\ln(GDP) = \frac{GDP}{GDP_{-1}} = 13.13 + 0.39 \ln\left(\frac{I^P}{GDP_{-1}}\right) - 0.15 \ln\left(\frac{G^I}{GDP_{-1}}\right) - 0.25 \ln\left(\frac{G^C}{GDP_{-1}}\right) - 0.23 \ln\left(\frac{TR^C}{GDP_{-1}}\right) + 0.45 \ln\left(\frac{TR^F}{GDP_{-1}}\right) - 0.15 \ln\left(\frac{TAX}{GDP_{-1} - OIL}\right) + 0.109 \ln\left(\frac{OIL}{GDP_{-1}}\right) - 0.33 DUM_1 + 0.19 DUM_2$$

با در نظر گرفتن اثر سهم مالیاتها بر تولید ناخالص غیر نفتی ضریب متغیر توضیح دهنده سهم درآمدهای مالیاتی دولت از GDP دارای اثر منفی و برابر با ۰.۱۵- بر روی نرخ رشد تولید داخلی است.

۳-۳-۵- اثر سهم مالیاتها بر تولید ناخالص دولتی غیرنفتی و غیر کشاورزی بر روی

نرخ رشد تولید ناخالص داخلی

از برآورد معادله زیر با روش OLS با در نظر گرفتن $\alpha_{1 \times 3}$ به نتایج زیر می رسیم :

$$\ln(GDP) = \frac{GDP}{GDP_{-1}} = 13.03 + 0.29 \ln\left(\frac{I^P}{GDP_{-1}}\right) + 0.12 \ln\left(\frac{G^I}{GDP_{-1}}\right) - 0.24 \ln\left(\frac{G^C}{GDP_{-1}}\right) - 0.21 \ln + 0.41 \ln\left(\frac{TR^F}{GDP_{-1}}\right) - 0.16 \ln\left(\frac{TAX}{GDP_{-1} - oil - agricultural}\right) + 0.109 \ln\left(\frac{OIL}{GDP_{-1}}\right) - 0.27 DUM_1 + 0.22 DUM_2$$

با در نظر گرفتن اثر مالیاتها بر تولید ناخالص غیر نفتی و غیر کشاورزی ضریب متغیر توضیح دهنده سهم درآمدهای مالیاتی دولت از GDP دارای اثر منفی و برابر با ۰.۱۶- بر روی نرخ رشد تولید داخلی است.

۴-۳-۵- اثر سهم مالیاتها بعلاوه حق بیمه دریافتی از کارکنان و عوارض شهرداری

ها در تولید ناخالص داخلی بر روی نرخ رشد تولید ناخالص داخلی

از برآورد معادله زیر با روش OLS با در نظر گرفتن $\alpha_{3 \times 1}$ به نتایج زیر می رسیم :

$$\ln(GDP) = \frac{GDP}{GDP_{-1}} = 16.5 + 0.33 \ln\left(\frac{I^P}{GDP_{-1}}\right) + 0.13 \ln\left(\frac{G^I}{GDP_{-1}}\right) - 0.26 \ln\left(\frac{G^C}{GDP_{-1}}\right) - 0.20 \ln + 0.46 \ln - 0.13 \ln\left(\frac{\text{عوارض شهرداری} + \text{حق بیمه} + \text{TAX}}{GDP_{-1}}\right) + 0.2 \ln\left(\frac{OIL}{GDP_{-1}}\right) + 0.11 DUM$$

با در نظر گرفتن اثر مالیاتها بعلاوه حق بیمه دریافتی از کارکنان و عوارض شهرداری ها بر تولید ناخالص داخلی ضریب متغیر توضیح دهنده سهم درآمدهای مالیاتی دولت از GDP دارای اثر منفی و برابر با ۰.۱۳- بر روی نرخ رشد تولید داخلی است.

۵-۳-۵- اثر سهم مالیاتها بعلاوه حق بیمه دریافتی از کارکنان و عوارض شهرداری ها در تولید ناخالص داخلی غیر نفتی بر روی نرخ رشد تولید ناخالص داخلی

از برآورد معادله زیر با روش OLS با در نظر گرفتن $\alpha_{3 \times 2}$ به نتایج زیر می رسیم :

$$\ln(GDP) = \frac{GDP}{GDP_{-1}} = 15.52 + 0.34 \ln\left(\frac{I^P}{GDP_{-1}}\right) + 0.13 \ln\left(\frac{G^I}{GDP_{-1}}\right) - 0.26 \ln\left(\frac{G^C}{GDP_{-1}}\right) - 0.20 \ln + 0.46 \ln\left(\frac{TR^P}{GDP_{-1}}\right) - 0.15 \ln\left(\frac{\text{عوارض شهرداری} + \text{حق بیمه} + \text{TAX}}{GDP_{-1} - oil}\right) + 0.2 \ln\left(\frac{OIL}{GDP_{-1}}\right) + 0.10 DUM$$

با در نظر گرفتن اثر مالیاتها بعلاوه حق بیمه دریافتی از کارکنان و عوارض شهرداری ها بر تولید ناخالص داخلی غیر نفتی ضریب متغیر توضیح دهنده سهم درآمدهای مالیاتی دولت از GDP دارای اثر منفی و برابر با ۰.۱۵- بر روی نرخ رشد تولید داخلی است.

۵-۳-۶- اثر سهم مالیاتها بعلاوه حق بیمه دریافتی از کارکنان و عوارض شهرداری ها در تولید ناخالص داخلی غیر نفتی و غیر کشاورزی بر روی نرخ رشد تولید ناخالص داخلی

از برآورد معادله زیر با روش OLS با در نظر گرفتن $\alpha_{3 \times 3}$ به نتایج زیر می رسیم :

$$\ln(GDP) = \frac{GDP}{GDP_{-1}} = 15.8 + 0.29 \ln\left(\frac{I^P}{GDP_{-1}}\right) - 0.12 \ln\left(\frac{G^J}{GDP_{-1}}\right) - 0.22 \ln\left(\frac{G^S}{GDP_{-1}}\right) - 0.13 \ln + 0.44 \ln\left(\frac{TR^P}{GDP_{-1}}\right) - 0.16 \ln\left(\frac{TAX + \text{مصارف دولتی} + \text{مصارف عمومی} + \text{مصارف اجتماعی}}{GDP_{-1} - \text{oil} - \text{agricultural}}\right) + 0.2 \ln\left(\frac{OII}{GDP_{-1}}\right) + 0.11 DVM$$

با در نظر گرفتن اثر مالیاتها بر تولید ناخالص غیر نفتی ضریب متغیر توضیح دهنده سهم درآمدهای مالیاتی دولت از GDP دارای اثر منفی و برابر با ۰.۱۶- بر روی نرخ رشد تولید داخلی است. بنابراین دولت با افزایش یک درصدی در متغیر توضیحی درآمد مالیاتی با ثابت نگهداشتن سایر عوامل تاثیری معادل ۰.۱۶ درصد بر کاهش نرخ رشد اقتصادی خواهد گذاشت.

۶- نتیجه گیری و پیشنهادهای سیاستی

نتایج نشان می دهد که نسبت نرخ واقعی مالیات به تولید ناخالص داخلی در ایران بجای ۷.۴۱ درصد در سال ۱۳۹۱ چیزی حدود ۲۰ درصد می باشد که بیانگر آن است که این نرخ همانند نرخ موجود در کشورهای در حال توسعه می باشد. با توجه به اینکه در ایران نیز مانند سایر کشورهای نفتی، درآمدهای نفتی در تأمین مالی بودجه دولت بیشترین سهم را دارد بنابراین انتظار می رود که نرخ مالیاتی ایران نیز مانند کشورهای نفتی پایین باشد ولی با مقایسه جداول بدست آمده در بخش قبل ملاحظه می کنیم که نرخ مالیاتی در ایران نزدیک به نرخ مالیاتی در کشورهای در حال توسعه است با این تفاوت که یکی از دلایل زیاد بودن مالیاتها در کشورهای توسعه یافته به خاطر زیاد بودن هزینه های انتقالی دولت در اینگونه کشورها است.

بر اساس رابطه تعادلی بلند مدت، ضریب متغیر توضیح دهنده سهم درآمدهای مالیاتی دولت از GDP یا $\ln\left(\frac{TAX}{GDP_{-1}}\right)$ دارای اثر منفی و برابر با ۰.۱۴- بر روی نرخ رشد تولید داخلی است. بدین ترتیب افزایش مالیاتها اثر منفی بر روی رشد اقتصادی کشور دارد. این موضوع بیانگر آن است که دولت با گرفتن مالیات که پس انداز اجباری است موجبات تخصیص غیر بهینه منابع و همچنین کاهش انگیزه افراد برای فعالیت

های اقتصادی را فراهم می کند و این نتایج بوضوح نشان می دهد که افزایش مالیاتها در اقتصاد کشور بویژه در بخشهای تولیدی اثر بازدارنده دارد.

پیشنهادهای ارائه شده در این مقاله برای جلوگیری از اثر بازدارندگی مالیاتها در رشد اقتصادی کشور و جلوگیری از رکود نسبی حاکم بر اقتصاد کشور به شرح زیر می باشد:

۱. بدون تردید مالیات و نظام مالیاتی دارای نقش مؤثری در روند رشد و توسعه کشور است. مالیات به عنوان یکی از ابزارهای هدایت غیرمستقیم دولت از طریق تأثیر بر فعالیت های بنگاه های اقتصادی می تواند در سیاستگذاری های توسعه صنعتی نقش کلیدی ایفا کند. دولت با تدوین نظام مالیاتی مناسب می تواند بر چگونگی دستیابی به هدف های توسعه ای تأثیر گذارد.

۲. با کاهش نرخهای مالیات، بر خلاف نظریات حاکم بر اوضاع اقتصادی کشور که دائماً بدنبال منابع درآمدی جدید از جمله مالیات های بیشتر برای دولت است، می بایست در جهت تحقق انضباط مالی دولت و کاهش هزینه های جاری و غیر ضروری آن اقدام نمود. کاهش مالیات ها در شرایط موجود با افزایش انگیزه مشارکت بخش خصوصی باعث می شود که مردم به دست خود صنعت، تجارت، کشاورزی و بخش خدمات را توسعه دهند و برای کارهای مهمتر و توسعه بیشتر تشویق و ترغیب شوند و با انگیزه بیشتر به سعی و کوشش خود بیفزایند.

۳. دولت از طریق تحول در نظام مالیاتی و تغییر در سیستم اجرایی و جمع آوری مالیات و به عبارتی، ایجاد یک سیستم مالیاتی کارآمد میتواند نقش مؤثری در رشد اقتصادی کشور در این زمینه ایفا کند. با اینحال، تحول سیستم مالیاتی مستلزم تحول در بافت و ساختار بخشهای مختلف اقتصادی بویژه بخش اقتصادی دولت خواهد بود.

۴. به منظور کارایی بیشتر نظام مالیاتی، لازم است قوانین و مقررات مالیاتی اصلاح شود و مدیریت مطلوب و شایسته بوجود آید. در حقیقت، مدیریت، نقش اساسی در کارایی سیستم مالیاتی دارد.

منابع :

- Cashin, P. (1995). Government Spending, Taxes and Economic Growth. *IMF Staff Papers, International Monetary Fund*.
- De Castro, F. and P. Hernández de Cos. (2008). The Economic Effects Of Exogenous Fiscal Policy Shocks In Spain A SAVR Approach. *European Central Bank, Frankfurt am Main, Germany*.
- Falahati, A. & Moradpur M. (2011), "Investigating the Effects of Tax Shocks in Iran's Economy", *Tax Journal*, 12, 28-34.
- Mojtahed, A. & Ahmadian, A. (2008), "The Effects of Tax Revenues on Social Welfare in Iran", *Economic Research*, 7(1), 45-71.
- Narayan, P. K. and Narayan, S. (2006). Government Revenue and Government Expenditure Nexus: Evidence from Developing Countries. *Applied Economics*, 38, 285-291.
- Sattarifar, R. (2004), "Effects of Government Expenditure and Taxes on Economic Growth of OPEC Countries", M.A. Thesis, *AllamehTabatabaei University*.
- Shafiei, A., Borumand, Sh. & Tashkini, A. (2006), "The Effects of Fiscal Policy on Economic Growth", *Economic Research*, 23, 81-112.
- Shirazi, M. (2006), "Effects of Government Expenditure on GDP & Economic Growth", M.A. Thesis, *Shiraz University*.
- Yoon, G. (2012). Explosive U.S Budget Dificit. *Journal of Economic Modeling*, Vol.29.